

## شناسایی افراد کم درآمد خیلی راحت تر از افراد پردرآمد است. شناسایی افراد پردرآمد بازتابهای منفی در جامعه دارد، مانند فرار سرمایه، جابجایی سرمایه یا غیره ولی برای افراد کم درآمد خیلی از اطلاعات معلوم است. تمام افرادی که حقوق می گیرند، بیمه تامین اجتماعی یا خدمات درمانی دارند یا تحت پوشش نهاد های حمایتی هستند و غیره مشخص هستند

نبود، آن موقع بنزین ۱۰۰ تومان بود. یعنی دولت مابه التفاوت را به عنوان درآمد گرفت و خواست که بین مردم توزیع کند...  
**اتفاقا این پاسخی که می فرمایید این شائبه را قوی تر می کند که هدفمندی یارانه ها به معنی حذف یارانه های باشد؛ بعضی ها این اعتقاد را مطرح می کنند، شما هم طر فدار این ایده هستید؟**  
 نه، نه، من چنین چیزی را نمی گویم. می گویم که می بایست، این و جوهی که از افزایش قیمتها به دست می آمد، که در یک جامع می شود، دولت آن ها را جزو هزینه های جاری خودش نیاورد و جزو هزینه های راهبردی باشد مانند امور مربوط به سلامت، بهداشت، رفاه، امنیت، آموزش و غیره. این دو با هم فرق می کند. این به معنی حذف یارانه ها نیست. من می گویم اگر دولت می خواست این وجوه را بدهد چرا این نسبت را برقرار کرد، حقوق ها را بالا برد. برای چه در قالب هدفمند کردن یارانه ها عمل کرد، چه فرقی می کند. من می گویم آن رقمی که به مردم تک تک داده می شد الان اثر خودش را از دست داده است و برگشته ایم به چهار سال قبل، به دلیل کاهش ارزش پول ملی

و افزایش تورمی که در این سالها داشتیم، رقم ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان خنثی شده و اثر خود را از دست داده است. اگر یارانه ها به آن امور به صورت غیر نقدی تعلق می گرفت اول اثر ضد تورمی داشت، دوم اثر حمایت تولید و سازندگی و بعد از چهار سال نیز مثلا در حوزه سلامت می شد فرانشیز بیمه سلامت را به شدت پایین آور و مردم خیالشان راحت بود که به لحاظ درمانی مشکلی ندارند. الان هزینه های دارو، سلامت، ویزیت پزشک و دندانپزشکی واقعا سرسام آور است. می شد یکی یا دوتا از این نوع حوزه ها شناسایی می شد و به مرور با نظارت مجلس این هزینه ها در آنجا سرمایه گذاری و هزینه می شد و آثار بهتری می توانست داشته باشد تا این وجوه در هزینه های جاری مردم بیاید. امروز اگر سری به آثار صنایع دستی کشور در خیابان استاد نجات الاهی بزنید مواجه می شوید با صنایع دستی که از هند و افغانستان و چین یا آفریقا آمده است. صنایع دستی ما که قبلا در روستاها تولید و در فروشگاه های صنایع دستی توزیع می شد را کمتر می بینید.

### \* به چه دلیل؟

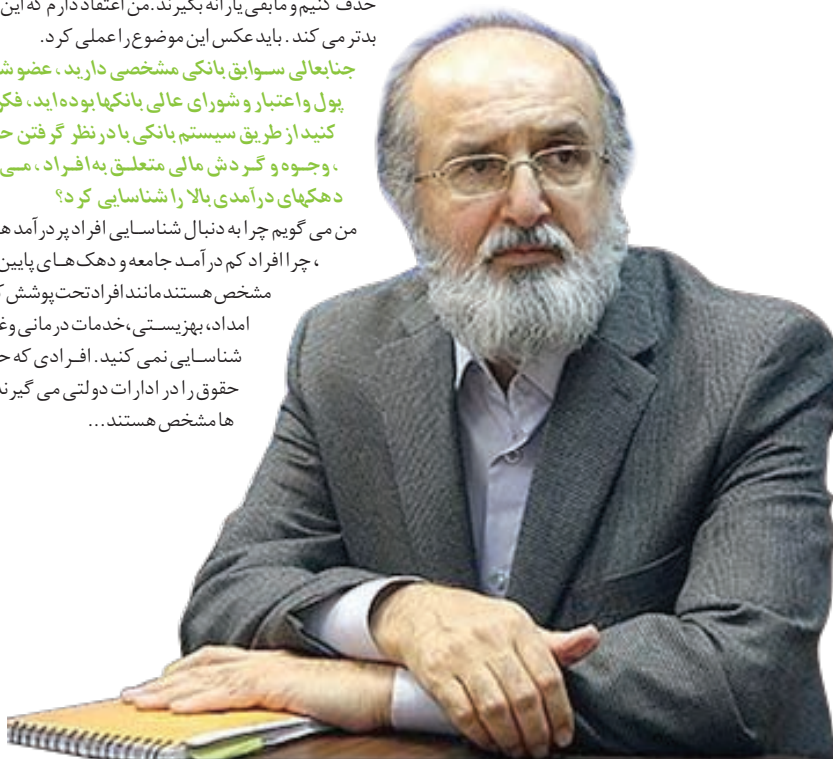
فکر نمی کنید که یک دلیل آن این است که فرد روستایی احساس کرده است که رقم یارانه ای که دریافت می کند کافی است و دیگر چرا خودش را به زحمت بیندازد؟ یک دلیل قطعا همین است. چون سابق که این کار را می کرد چنین درآمدی نصیبش نمی شد. نداشت. گیرش نمی آمد. ولی حالا وقتی می بیند که ماهیانه مبلغی را می گیرد دیگر خودش را به زحمت نمی اندازد تا دست به تولید بزند. به همین دلیل آثار حمایتی از تولید آرام آرام کنار می رود. ولی چطور شد که آثار صنایع دستی این کشورهایی که نام بردم امروز در فروشگاه های ما وجود دارد. چندی قبل دنبال نوعی صنایع دستی داخل کشور بودم، فروشنده گفت که دیگر نیست، گفتم چرا گفت که بندگان خدا زحمت می کشیدند و تولید می کردند این قدر گیرشان می آمد دیگر به خاطر چه تولید کنند. صرف نمی کند.

**شاید یک پاسخ دیگر به این مساله بر می گردد به این که در اجرای هدفمندی یارانه ها در حمایت از تولید با مقدرای ضعف مواجه شدید و به گونه ای اجرا نشد که تولید کننده منتفع شود و از طرف دیگر هزینه هایش نیز اضافه شد؟**

بله، این هم بخشی از آثار این مساله است. با این حال من فکر می کنم در این مرحله نمی توانیم یارانه نقدی را حذف کنیم، البته نه برای همه، یک بحثی چند ماه پیش مطرح شد که دهکهای بالای درآمدی و ثروتمندان جامعه را شناسایی کنیم و یارانه آن ها را حذف کنیم و مابقی یارانه بگیرند. من اعتقاد دارم که این کار را بدتر می کند. باید عکس این موضوع را عملی کرد.

**جناب عالی سوابق بانکی مشخصی دارید، عضو شورای پول و اعتبار و شورای عالی بانکها بوده اید، فکر نمی کنید از طریق سیستم بانکی با در نظر گرفتن حساب، وجوه و گردش مالی متعلق به افراد، می توان دهکهای درآمدی بالا را شناسایی کرد؟**

من می گویم چرا به دنبال شناسایی افراد پردرآمد هستید، چرا افراد کم درآمد جامعه و دهک های پایین را که مشخص هستند مانند افراد تحت پوشش کمیته امداد، بهزیستی، خدمات درمانی و غیره را شناسایی نمی کنید. افرادی که حداقل حقوق را در ادارات دولتی می گیرند. این ها مشخص هستند...



من افرادی را می شناسم که بضاعت مالی خیلی کمی دارند ولی به دلیل این که پیگیر نبوده اند که تحت پوشش سازمان حمایتی خاصی مثل کمیته امداد و امثالهم در بیایند، در هیچ سیستم حمایتی نام آن ها نیست که می توانیم افراد بیکار که مشمول هیچ نوع بیمه ای نیستند و کارگران ساختمانی فاقد شناسنامه و برخی کارگران دیگر فاقد بیمه را به آن ها اضافه کنیم، بنابراین اگر این موارد را جمع بزنیم طبقه خاصی از جامعه را در بر می گیرند که راه خاصی برای شناسایی آنان نیست، این ها را چه باید کرد؟

دولت ها موظفند این افراد را شناسایی کنند. این جزو وظیفه دولتهاست. اگر شناسایی نشده اند کوتاهی دولتها و سازمانهایی است که بار حمایتی و سرپرستی مردم را دارند و باید مدیریت کنند. مثل همه جای دنیا، مگر در آمریکا برای افراد کم بضاعت کوپن غذایی دهند. در کشورهای اروپایی نیز مراکزی وجود دارد و خودشان افراد کم بضاعت را شناسایی کرده اند و به آنان کمک می کنند. البته ما زمان هم برای این شناسایی کم نداشته ایم... این کار یک بار برای همیشه به صورت پایه ای باید صورت بگیرد اما اگر بروید به دنبال شناسایی حسابهای مردم به لحاظ قانونی خلاف کرده اید. ما فقط به حکم مقامات قضایی می توانیم حسابهای افراد را شناسایی کنیم. اما این باز تاب منفی نیز دارد. وقتی وارد احوالات هویتی مالی مردم می شوید موجب می شود که سرمایه ها پنهان شوند و وجوه را از بانک خارج کنند. یک برنامه هم این بود که برویم به دنبال شناسایی بیمه عمر که کسانی که بیمه عمر کرده اند وضعیتشان خوب است و به آن ها یارانه ندهیم یا کسانی که از یک عددی به بالا مالیات می دهند ندهیم. این ها تحریک کردن سرمایه است که از حوزه کار و تولید و سرمایه گذاری خارج شود. این کار طبق سوالی که من پرسیدم هم به لحاظ شرعی مشکل داشت و هم به لحاظ قانونی. بنابراین شناسایی افراد کم درآمد خیلی راحت تر از افراد پردرآمد است. شناسایی افراد پردرآمد بازتابهای منفی در جامعه دارد، مانند فرار سرمایه، جابجایی سرمایه یا غیره ولی برای افراد کم درآمد خیلی از اطلاعات معلوم است. تمام افرادی که حقوق می گیرند، بیمه تامین اجتماعی یا خدمات درمانی دارند یا تحت پوشش نهاد های حمایتی هستند و غیره مشخص هستند.

**آقای دکتر، من الان فردی را می شناسم که قبلا تحت پوشش کمیته امداد بود ولی به دلیل مریضی پی گیری نکرده است که تحت پوشش بودن وی تمدید شود و از طرفی سبک کالا نیز که اخیرا به عنوان یکی از مصادیق توزیع غیر نقدی یارانه به افراد کم درآمد تعلق گرفت به وی تعلق نگرفته است، در همین موضوع چقدر به مشکل برخوردیم و اکنون خیلی انتقادها به این که توزیع سبک کالا عادلانه بوده یا نبوده است، وارد است؟**

دولت در اجرای سبک کالا به بدترین شیوه عمل کرد. من در مصاحبه بارادیهو هم گفتم که با این که حساس هستم روی این موضوع ولی نمی دانم که چگونه می خواهند آن را توزیع کنند. دوروز که مانده بود به زمان توزیع هنوز معلوم نبود که شیوه اصلی توزیع چگونه است. من گفتم که قطعا در اجرا به مشکل بر می خورند چون تصویر روشنی ندارند و خود دولت هم نمی داند که چه کار دارد می کند. دولت اول گفت به درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان می دهد و بعد سخن خود را عوض کرد. سبک کالا خودش یک مقوله جداگانه است که به شیوه تصمیم سازی و تصمیم گیری و اجرای انتقاد داریم. شما با دادن سبک کالا می خواهید که چه اتفاقی بیفتد. چه معجزه ای می خواهد رخ دهد، چه رضایت مردمی می خواهد در اثر توزیع چند کیلو مرغ و برنج و غیره به وجود بیاید، آن هم در بدترین وضعیت. این درست نیست. من امید نداشتم که دولت تدبیر و امید یک چنین روشی را انتخاب کند. شما می توانستید برای بعضی افراد یارانه نقدی را اضافه کنید و خودشان این کار را بکنند و انتخاب کنند ولی آمدید در دسر و هزینه ها و تصدی گری و مسئولیت اجرایی دولت را بالا بردید و نارضایتی مردم را نیز به دنبال داشت.

**البته این که نقدی ندادند به خاطر این بود که اثر تورمی**